



بسم الله الرحمن الرحيم  
امروز مسأله یی که لازمتر از مباحثه ی درسی است و من بایستی آن را خدمت آقایان عرض کنم، قضایای اخیر نجف و کربلاست که بسیار مهم است و قضایایی نیست که یک مسلمان و شیعه در قبال آن بتواند آرام بگیرد. بنده خودم از دو روز قبل که این قضایا پیش آمد، تقریباً به طور دائمی حال منقلب است؛ یعنی واقعاً احساس می کنم که حادثه یی را که اینها، این امریکاییهای بی خرد و قسی القلب، پیش آورده اند، حادثه ی بسیار دشواری برای خودشان است؛ کار بزرگی را دارند انجام می دهند و نمی فهمند.

چون امام حسین و امیرالمؤمنین فقط متعلق به شیعه نیست و همه ی مسلمانها برای این بزرگواران و برای این مراد مطهر احترام و ارزش قائلند، برای مسلمان مؤمن قابل تحمل و قابل قبول نیست که بیایند در خیمه گاه کربلا و تانگ و توپ و نیروی مسلح بیاورند، یا به گنبد مطهر امیرالمؤمنین اهانت کنند و آن را با گلوله بزنند. این قضایا، قضایای بسیار مهمی است.

به نظر می رسد که امریکاییها کار را از حد گذرانده اند و در واقع حماقت را با وقاحت و گستاخی و بی پروایی توأم کرده اند. تعرض به مقدسات مردم و آنچه که مردم دلبسته ی به آنها هستند، موضوع کوچکی نیست؛ موضوع بسیار مهمی است. و عجیب این است که با همه ی این گستاخیا و بی پروایها، دم از حقوق بشر و دم از دموکراسی و... هم می زنند! این همان وقاحتی است که در وجود اینها واقعاً عجیب است. من مطمئنم که مردم مسلمان، بخصوص مردم شیعه - چه در کشور خودمان، چه در شهرهای مختلف عراق، چه در بقیه ی نقاط عالم - در مقابل این تعرض و گستاخی امریکاییها ساکت نخواهند نشست. امریکاییها چه خودشان بفهمند یا نفهمند، اعتراف بکنند یا نکنند، در عراق شکست خورده اند. آن وضعی که امریکاییها در عراق پیش آورده اند و آن تخم نرفتی که در عراق کاشته اند، محصول تلخش را تا ده ها سال در عراق، بلکه در کل منطقه، خواهند چید. این طور نیست که اینها خیال کنند خواهند توانست در عراق بمانند و بر مردم عراق سلطه پیدا کنند و بی دردمس حکومت کنند و نفت عراق را ببرند و مردم آن را این طور تحقیر کنند.

ماجرای زندان «ابو غریب» - که اخیراً معلوم شده است که این ماجرا مخصوص زندان ابو غریب هم نیست و در همه یا در اکثر زندانهای که امریکا در عراق دارد، با عراقیها همین رفتار می شده است - داغ ننگی بر پیشانی امریکاییها شد؛ و این داغ به این آسانیا پاک نخواهد شد. آن وقت رؤسای امریکایی - رئیس جمهور و باند حاکم بر امریکا - می گویند ما خبر نداشتیم؛ عذرخواهی شان این است! می گویند ما اطلاع نداشتیم؛ ما در شکنجه گاه های صدام را بسته ایم. مگر فرق می کند که چه کسی مردم را شکنجه کند؛ صدام یا شما؟! شکنجه، شکنجه است. شما در شکنجه گاه های صدام را نبستید؛ شما جای صدام را گرفته اید. این که می گویند ما خبر نداشتیم، اولاً دروغ می گویند؛ چون صلیب سرخ صریحاً اعلام کرد که از مدتها قبل مسؤولان رده ی بالای ارتش و مسؤولان امریکا را در جریان این کار قرار داده است. معلوم می شود که از مدتها قبل این کار اتفاق افتاده و حالا آشکار شده است؛ بنابراین باید خبر به اینها رسیده باشد و اگر نرسیده، این موضوع، خودش جرم دیگری است. وانگهی، مگر صدام خودش به سلولها می آمد و شکنجه می کرد؟ صدام هم مأمورینش می کردند، شما هم مأمورینتان دارند می کنند.

دستگاه شما، دستگاه نفرت، ظلم، بی اعتنائی و بی احترامی به کرامت انسانهاست. چرا وارد عراق شدید؟ چرا یک کشور مستقل را زیر چکمه ی سربازان خودتان این طور لگدمال کردید؟ چرا کرامت و ارزش مردم عراق را نادیده گرفتید؟ حالا دارند طرح انتقال قدرت درست می کنند، منتها قدرتی که در واقع در اختیار خود امریکاییها باشد. سیاستمداران و نخبگان عراقی بدانند که هر قدرتی که در عراق روی کار بیاید و دست نشانده ی امریکاییها تلقی شود، این قدرت به قدر امریکا پیش مردم عراق منفور خواهد بود. مردم عراق حاضر نیستند که بعد از رفتن صدام، سلطه ی امریکا و دست نشانده های امریکا را بر آن جا ببینند. انتقال قدرت، به این است که به مردم عراق انتقال



قدرت شود و انتخابات انجام گیرد؛ مردم انتخاب کنند، نه این که کسی بیاورد آن جا يك طرحی را که امریکاییها مایلند، به نخبگان و سیاستمداران عراقی دیکته کند و آنها هم تسلیم همان طرح امریکا شوند.

ورود امریکاییها به عراق غلط بود، ماندن شان غلط بود، رفتارشان با مردم غلط بود، حاکم امریکایی بر سر مردم گذاشتن غلط بود و آمدن شان به سمت کربلا و نجف غلط بود. این کارهایی که اخیراً کردند، غلطاندر غلط است و بدانند که مطمئناً دنیای اسلام و بخصوص دنیای شیعه در مقابل اینها ساکت نخواهد ماند. در دنیای اسلام چهره ی مطهر امیرالمؤمنین، چهره ی مطهر سیدالشهدا (سلام الله علیهما) چهره های نورانی یی است که در اعماق دلهای مردم جا دارد؛ آن وقت بیایند وارد شهر کربلا و نجف شوند و در کنار «وادی السلام» که محل دفن صلحا و بزرگان و اولیا و اوصیاست، حضور نظامی پیدا کنند و ده ها نفر از مردم بی گناه نجف و کربلا را به قتل برسانند.

جنایتی که اینها انجام می دهند، بزرگترین جنایتهاست و این جنایت از نظر دنیای اسلام، از نظر ملت ایران و از نظر همه ی شیعیان جهان محکوم است و مستم است که امریکاییها نخواهند توانست این راه را ادامه دهند. هرچه هم ادامه دهند، بیشتر در این گنداب که خودشان به وجود آورده اند، فرو خواهند رفت و بیشتر اسیر این باتلاق خواهند شد. اگر هرچه زودتر خودشان را خلاص کنند و نجات دهند، به صرف آنهاست. البته امریکاییها گیر افتاده اند و الان هیچ کار نمی توانند بکنند؛ ادامه دادن شان شکست است، خارج شدن شان هم شکست است؛ اما در عین حال، ادامه دادن، شکست بزرگ تری است و ضربه ی سهمگین تری بر آنها وارد خواهد کرد. امروز آنها در عراق و صهیونیستهای غاصب در فلسطین، بزرگترین جنایت بشری را مرتکب می شوند و این کافی است که دنیا به حقانیت سخن جمهوری اسلامی که «مرگ بر امریکا» و «مرگ بر اسرائیل» را جزو شعارهای خودش قرار داده، پی ببرد. اگر امروز دولتهای اروپایی حقیقتاً در ادعای طرفداری از حقوق بشر صادقند و راست می گویند، باید صریحاً در مقابل این حرکتی که امریکاییها کرده اند، اقدام کنند؛ حرف فایده یی ندارد و کشورهای اروپایی باید در مجمع عمومی سازمان ملل، نه در شورای امنیت که بتوانند آن را «وتو» کنند، قطعنامه ببرند و این رفتارهای ضدبشری امریکا را محکوم کنند، تا نشان دهند که واقعاً راست می گویند؛ والا صرف ادعای حقوق بشر از نظر ملتها، هیچ ارزشی ندارد.

والسلام علیکم ورحمةالله